



# بازخوانی و شرح وقف نامه‌ی میرزا محمدحسین عضدالملک پیرامون وقف کنیز برای دارالشفاء امام رضا (ع)

سعیده جلالیان<sup>۱</sup>

## چکیده

وقف از جمله مظاهر برجسته‌ی نیکوکاری است که از دیرباز در میان بسیاری از اقوام و مذاهب به شکل‌های مختلف رواج داشته و از توجه انسان‌های خیر به مسایل اجتماعی و روحیه‌ی تعاون آن‌ها حکایت دارد. یافتن وقف‌نامه‌ای با موضوع منحصر به فرد پیشکش کنیز برای خدمتگزاری در دارالشفاء امام رضا (ع) توسط میرزا محمدحسین عضدالملک ما را با گونه‌ای خاص و استثنایی از وقف روبه‌رو کرد که آن چه می‌خوانید، ضمن معرفی و بازخوانی، دربردارنده‌ی توصیف و تفسیر این وقف‌نامه از جنبه‌های مختلف است.

**کلیدواژه‌ها** وقف‌نامه، آستان قدس رضوی، دارالشفاء امام رضا، کنیز.

## مقدمه

وقف در لغت به معنای ایستادن، درنگ، سکون، امساک و اقامت کردن به کار رفته است.<sup>۱</sup> برای این اصطلاح در فقه اسلامی، تعریف‌های مختلفی ارائه شده و در یکی از آن‌ها چنین آمده است: «وقف، صدقه‌ی جاریه یا حبس عین (عین ملک) و تسبیل، اطلاق، رهاکردن منفعت، مباح کردن و فی سبیل الله قرار دادن آن است. حبس در این معنا که دیگر نتوان آن را معامله کرد و در معرض نقل و انتقال قرار داد و تسبیل یا

۱. کارشناس پژوهش سازمان.

پست الکترونیک: S\_Jalalian 6212@ yahoo.com

اطلاق منفعت، به این معنا که بهره‌ی آن را فی سبیل‌الله و صدقه‌ی جاریه قرار دادن است که مراد از صدقه جاریه نیز کار خیری است که مدت‌ها استمرار پیدا کند و مردم از آن بهره‌مند گردند و تا هر زمان که باقی باشد، ثوابش به واقف برسد».<sup>۲</sup>

وقف کردن از کارهای پسندیده و از مصادیق بارز نیکوکاری است که از دیرباز در جوامع بشری متداول بوده است و نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان در منابع مطالعه کرد.<sup>۳</sup> اسلام نیز بر این پدیده‌ی حسنه صحه گذاشته و ضمن افزایش جلوه‌های گوناگون وقف، آن را در مسیری روشن، منطقی و هدفدار مورد استفاده قرار داده است؛<sup>۴</sup> به طوری که با الهام‌پذیری از دستورهای قرآن کریم که در آن به نیکوکاری، معاونت در کارهای خیر و انجام امور عام‌المنفعه توصیه می‌شود؛ نهاد وقف به تدریج در میان مسلمانان قوت می‌گیرد. مردم خیراندیش با تأثیرپذیری از این جهان بینی، بیش از گذشته به وقف توجه کرده، باعث استواری و جهت دار شدن پایه‌های آن می‌گردند.<sup>۵</sup> به این ترتیب، بعد از اسلام اندک اندک رقبات و درآمدهای حاصل از آن رو به افزایش گذاشته، علاوه بر احداث و نگه‌داری از بسیاری از سازمان‌های عام‌المنفعه، نیازمندی‌های عمومی قابل توجهی در سطح جامعه برطرف می‌گردد.

اکثر افراد با صحبت از وقف به یاد ساخت و احداث مسجد، حمام، مدرسه، درمانگاه، آب انبار، کاروان‌سرا، اطعام فقرا و ایتم یا برپایی مجالس تعزیه و روضه‌خوانی می‌افتند، زیرا با این جلوه‌ها و مظاهر بیش‌تر برخورد کرده و با آن آشنایی دارند. اما برای وقف، صورت‌های متنوع دیگری نیز متصور است؛ شکل‌ها و مصداق‌هایی که گاه با باورهای زندگی امروز، نه سازگار است و نه شدنی. زیرا تفکر و شیوه‌ی زندگی انسان عصر حاضر سال‌هاست آن‌ها را مردود دانسته و منسوخ کرده است. از جمله می‌توان به وقف بنده اشاره کرد که وقف‌نامه میرزا محمدحسین عضدالملک نمونه‌ای از این‌گونه است و در آن، چگونگی وقف کنیزی برای خدمت در دارالشفاء امام رضا(ع) به تفصیل بیان می‌شود.

برای آشنایی و اطلاع از مضمون و مفاد این وقف‌نامه ابتدا به ترسیم و توصیف شناسنامه کلی آن پرداخته شده است. به این معنا که مؤلفه‌های اصلی آن در قالب مشخصات ظاهری، معرفی واقف، مورد وقف، مصرف موقوفه، تاریخ وقف، محدودیت‌های وقف‌نامه، انگیزه و علت وقف و ویژگی‌های بارز وقف‌نامه توضیح داده شده است. در ادامه به شرح و تفسیر وقف‌نامه از جنبه‌های مختلف پرداخته شده و در

انتها نیز متن وقفنامه بازخوانی و ارائه گردیده است.

### مشخصات ظاهری وقفنامه

در مورد خصوصیات ظاهری این وقفنامه باید گفت، اندازه‌ی آن ۳۵×۲۰/۵ سانتی‌متر و کاغذ آن از جنس نخودی آهاری است. به غیر از سطر نخست وقفنامه که به خط ثلث نگاشته شده، مابقی متن به خط نستعلیق شکسته است. روش و شیوه‌ی نگارش آن، شیوه‌ای مصنوع و منشیانه است و مانند برخی مکتوبات دوره‌ی قاجار از نثری ادبی و پرتکلف برخوردار بوده و از آیات قرآنی، عبارات‌ها و جمله‌های مسجع و آهنگین جهت زیبایی کلام بهره گرفته شده است. متن در مجموع از ۲۱ سطر تشکیل شده و گوشه‌ی سمت راست پایین سند به علت پارگی یا پوسیدگی آسیب دیده است. هم‌چنین وقفنامه علی‌رغم این که متعلق به یکی از رجال برجسته و صاحب‌نفوذ دوره‌ی قاجاریه (عضدالملک) می‌باشد، از تزیین و آرایه‌های هنری بی‌بهره بوده و برای زیبایی و آراستگی آن اقدامی صورت نگرفته است. این سند، تنها یک مهر دارد که در گوشه‌ی پایین سمت چپ آن دیده می‌شود. مهر بیضی شکل و متعلق به شخص واقف بوده و در سجع آن چنین آمده است: «عبد محمد حسین بن فضل‌الله الحسینی، ۱۲۳۸». البته در ظهر سند نیز در گوشه‌ی سمت راست بالا کلمات «پیشکش فضه جاریه» مشاهده می‌شود. شایان ذکر است در حال حاضر این سند در مخزن اسناد مکتوب مدیریت اسناد و مطبوعات (به شماره‌ی ۶۲۱۴۰) نگه‌داری می‌شود.

### معرفی واقف

میرزا محمدحسین، پسر میرزا فضل‌الله حسینی معروف به «صدر دیوان‌خانه» از جمله رجال سیاسی عصر قاجار به شمار می‌رود که در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۶۷ تا ۱۲۷۰ق. سمت وزیر مختاری ایران در روسیه را برعهده داشته است. در شرح احوال او آمده است که در سال ۱۲۷۰ق. به سمت وزارت وظایف و اوقاف منصوب گشته، دارای لقب «عضدالملک» می‌شود. در خصوص دیگر مناصب میرزا محمدحسین حسینی باید از منصب تولیت آستان قدس رضوی نام برد. او در طول عمر خویش، این توفیق را به دست می‌آورد که دو بار به منصب متولی‌باشی‌گری آستان قدس برسد. بار نخست از ماه رجب سال ۱۲۷۲ تا ماه صفر سال ۱۲۷۸ است که در این مدت، به جای میرزا فضل‌الله وزیر نظام (برادر بزرگ‌تر میرزا آقا خان نوری) امور تولیت آستان قدس

رضوی را به دست می‌گیرد و مرتبه‌ی دوم شامل دوره‌ای یک ساله در محدوده‌ی سال‌های ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۳ ق. می‌شود که در پی کنار گذاشته شدن میرزا علی‌اکبر خان قوام‌الملک شیرازی دوباره به سمت تولیت برگزیده می‌شود.<sup>۶</sup>

پیرامون عملکرد عضدالملک در آستان قدس در منابع آمده که او منشأ خدمات ارزنده‌ای در این نهاد مذهبی بوده و در مدت تصدی پست تولیت به ساخت درِ طلا برای حرم مطهر امام رضا(ع)، احداث مهمان‌خانه‌ی جدید برای زائران محتاج در جوار مطبخ خانه حضرتی، اتمام طلا کاری ایوان صحن نو، اختصاص موقوفاتی از مایملک خود به آستان قدس رضوی<sup>۷</sup> و مهم‌تر از همه، تهیه‌ی طومار موقوفات آستان قدس رضوی (معروف به طومار عضدالملک) اقدام نموده است.<sup>۸</sup>

### مورد وقف

براساس وقف‌نامه، واقف کنیز ملکی خود، به نام «فضه» را برای خدمت در تشکیلات درمانی آستان قدس رضوی به دارالشفاء هدیه می‌کند. در نص صریح وقف‌نامه در این زمینه آمده است: «... یک نفر جاریه<sup>۹</sup> ملکیه ابتیاعیه حبشیه خود را که مسماست به فضه و در نظافت و حسن سلیقه و طباحتی از امثال<sup>۱۰</sup> و اقران<sup>۱۱</sup> ممتاز و از غیر خود مستغنی و بی‌نیاز بود، پیشکش سرکار فیض آثار<sup>۱۲</sup> فرمودند...».

به طور قطع اگر کلمه‌ی «پیشکش» که در متن سند، دو بار به آن اشاره شده، به تنهایی به کار می‌رفت، تردیدها و ابهاماتی در وقف کنیز و وقف‌نامه بودن سند ایجاد می‌شد، اما با عبارت‌هایی که در سطر نوزدهم و بیستم می‌آید، این تردید مبدل به یقین می‌شود، زیرا به صراحت صیغه‌ی وقف به این گونه جاری می‌شود: «... و از حیثه تصرف و قید تملک خود اخراج نمود پیشکش آن سرکار نمودند و وقف مؤبد فرمودند و وقفاً صحیحاً شرعاً...».

### مصرف موقوفه

در وقف‌نامه پیرامون مورد مصرف وقف می‌خوانیم که این کنیز می‌باید در کسوت بیمارداران<sup>۱۳</sup> درآمد، در دارالشفاء به صورت شبانه‌روزی به کار آشپزی و پرستاری بیماران غریب و مجاور اشتغال داشته باشد. بخشی از سند که به این موضوع اشاره دارد، این عبارات است: «... همواره لیلاً و نهاراً به خدمات ترتیب ادویه و اغذیه مرضای غربا و سکنه بلاد طیبیه اشتغال داشته، در سلک سایر بیمارداران منسلک بوده، از

مملوکی سلطان سریر ولایت و مالک اقلیم هدایت بر موالی<sup>۱۴</sup> دارین<sup>۱۵</sup> مفاخرت نماید و به فراغ بال و آسودگی حال به خدمات محوله به خود اشتغال ورزد...».

## تاریخ وقف

تاریخ دقیق وقف‌نامه به علت پارگی یا پوسیدگی که در گوشه‌ی پایین سمت راست سند به وجود آمده، مشخص نیست. در عبارت پایانی وقف‌نامه که اختصاص به بیان تاریخ دارد، چنین نوشته شده است: «... سبعین و مأتین بعد الالف من الهجرة النبوية المصطفوية علی هاجره الآف الثناء و التحیه». نظری که پیرامون تاریخ وقف‌نامه می‌توان مطرح کرد، این است که به احتمال بسیار زیاد، این تاریخ در محدوده‌ی سال‌های ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۸ق. یعنی دوره‌ی اول تولیت عضدالملک واقع شده است، چون تنها رقم آخر این سال (۱۲۷۹) نامشخص می‌باشد.

## محدودیت‌های وقف‌نامه

منظور از محدودیت‌های وقف‌نامه، شرایط و قیودی است که واقف برای موقوفه‌ی خود، منظور می‌دارد. در سند موردنظر، واقف بعد از این که بر وقفیت مؤبّد موقوفه تصریح دارد و علاوه بر این که خرید و فروش مورد وقف (کنیز) را ممنوع اعلام می‌کند؛ بخشیدن و هبه کردن، به رهن دادن و اجاره نمودن آن را منتفی و ممنوع می‌کند. به این ترتیب، به نظر می‌رسد او تمام شرط‌های لازم را لحاظ کرده تا مورد وقف تنها در جهت خدمتگزاری در مکانی عام‌المنفعه که منتسب به بارگاه امام رضا(ع) است به کار گرفته شود و در غیر آن، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار نگیرد.

## انگیزه و علت وقف

در نگاهی اجمالی به وقف‌نامه‌ی میرزا محمدحسین عضدالملک روشن می‌شود که واقف علاوه بر انگیزه‌ای عمومی و کلی که همه‌ی واقفان دارند؛ دارای هدفی معین و از پیش تعیین شده می‌باشد. به این معنا که او با نیتی مشخص و به صورتی آگاهانه این گونه وقف کرده است.<sup>۱۶</sup> واقف در سطور اول وقف‌نامه مانند دیگر واقفان، هدف عمده‌ی خویش را انجام عمل خیر عنوان می‌کند. او عملش را مترادف با دادن صدقه، عبادت خداوند و وسیله‌ی کسب توشه برای آخرت می‌داند. این مطلب به روشنی در جمله‌های هفتم و هشتم وقف‌نامه چنین ابراز شده است: «... واز اعمال صالحات و

اعتاق<sup>۱۷</sup> رقبات<sup>۱۸</sup> و وفور صدقات و خیرات و ظهور سعادات و عبادات توشه (لا یوم مال و لا بنون) برگیرند و در سلک احرار<sup>۱۹</sup> منسلک گشته، ردای ابرار<sup>۲۰</sup> در پوشند که (ان الابرار لفی نعیم)...». اما در عبارت‌های بعدی وقف‌نامه، اهداکننده‌ی موقوفه، دلیل اصلی وقف را نیز توضیح می‌دهد. او می‌گوید، چون در ضمن سرکشی و بازدید از اماکن و بیوتات مختلف آستان قدس مشاهده نموده که پرستاری و مراقبت از بیماران بستری در دارالشفاء به دلیل کاستی کادر پرستاری و خدمه‌ی زن با مشکلات و معضلاتی روبه‌رو است، تصمیم گرفته تا کنیز ملکی خود را تحت عنوان بیماردار به دارالشفاء هدیه کرده، آن را وقف خدمت بیماران آن‌جا کند. «... و خود به نفس نفیس با عمال و مباشرین جلیس می‌شدند که رفع هر نوع نقص و قصور و دفع هر نوع [کذا] فتنه و فتور که در امور اگر احیاناً باشد، فرمایند اتفاقاً قصوری در نسوان بیمارداران دارالشفاء مبارکه ملاحظه فرمودند، یک نفر جاریه ملکیه ایتبایه حبشیه خود را که مسماست به فضا... پیشکش سرکار فیض‌آثار فرمودند...».

### ویژگی‌های خاص و بارز وقف‌نامه

آن چه به این وقف‌نامه ویژگی خاص بخشیده و آن را از دیگر موقوفات متمایز ساخته، در درجه‌ی نخست، موضوع و مورد وقف آن است. در این سند برخلاف اکثر وقف‌نامه‌ها صحبت از اطعام فقرا، روضه‌خوانی یا اختصاص مکانی برای ساخت مؤسسات عام‌المنفعه نیست. در این‌جا موضوع بر محور هدیه‌ی کنیزی برای خدمتگزاری در مؤسسه‌ای درمانی و عام‌المنفعه استوار است؛ جلوه‌ای از وقف که اگر نگوییم بی‌نظیر به یقین کم‌نظیر بوده، باید پیرامون آن بررسی و تحقیق بیشتری صورت پذیرد.

دومین نکته‌ای که در این وقف‌نامه جلب نظر می‌کند، عدم برخورداری وقف‌نامه از متولّی خاص و مشخص است. همان‌طور که می‌دانیم، هر مورد وقفی، چهار رکن اصلی دارد: واقف، موقوفه، موقوف‌علیهم و متولّی. کسی است که در وقف‌نامه از طرف واقف برای اداره‌ی عین موقوفه معین می‌شود؛<sup>۲۱</sup> لیکن در این مورد خاص هیچ اشاره‌ای به شخص متولّی صورت نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد واقف علی‌رغم این که در محدودیت‌های وقف، چهار شرط را آورده و خرید و فروش، بخشیدن، به رهن دادن و اجاره دادن این موقوفه را منتفی و ممنوع اعلام کرده، اما هیچ ضمانتی برای اجرای مفاد وقف‌نامه‌اش لحاظ نکرده و آن را بدون سرپرست رها نموده است.

## چند نکته پیرامون این وقف‌نامه

پیش‌تر اشاره گردید که وقف‌نامه‌ی میرزا محمدحسین عضدالملک، موقوفه‌ای است با شرایط خاص و ویژگی‌های منحصر به فرد که می‌توان آن را از جنبه‌های مختلف مورد تحلیل قرار داد.

با نگاهی دینی و مذهبی به این وقف‌نامه، نخستین پرسشی که در ذهن شکل می‌گیرد، این است که آیا وقف بنده و مملوک در اسلام جایز شمرده شده است یا خیر؟ که در مقام پاسخ باید گفت، همه‌ی مذاهب و فرق فقهی اسلام اعم از حنفی، شافعی، ملکی، حنبلی، زیدی و ظاهری در پذیرش اصل وقف با هم اتفاق نظر داشته، آن را جایز می‌شمارند، اما در مورد مصادیق آن با هم اختلاف نظراتی دارند. برخی وقف را تنها در مورد مسجد جایز می‌دانند که این قول نزد مذاهب اسلامی متروک است،<sup>۲۲</sup> در حالی که گروهی دیگر، مظاهر و مصادیق وقف را از مسجد فراتر دانسته، آن را در مورد خانه، زمین، باغ، سلاح، چارپایان، قرآن‌جایز و در غیر این موارد روا نمی‌دانند.<sup>۲۳</sup> در فقه شیعه علاوه بر این موارد، موضوع‌هایی چون وقف بنده و مملوک نیز مورد قبول قرار گرفته است. نگاهی به برخی احکام فقهی که در این زمینه وجود دارد، هم‌چون «وقف بنده‌ای که فرار نموده یا در دست ظالمی غصب شده و امثال آن باطل است» یا «اگر بنده و عبدی را وقف کنند، نفقه‌ی آن بر عهده‌ی موقوف‌علیهم می‌باشد»،<sup>۲۴</sup> گواهی بر این مطلب است که این نوع وقف در فقه شیعه مورد تأیید بوده، چرا که برای آن احکام خاصی در نظر گرفته شده است.

از سوی دیگر، شواهد تاریخی حاکی از آن است که رسم پیشکشی زنان و دختران برای خدمتگزاری در معابد و مکان‌های مقدس، ریشه‌ای طولانی داشته، به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد. با جست و جو در منابع و مآخذ تاریخی می‌توان ردپای این موضوع را در تمدن‌های قدیمی بین‌النهرین از جمله تمدن سومر یافت. تحقیقات نشان می‌دهد در این ادوار تاریخی، پدر و مادر با افتخار دختران خود را جهت خدمت به معابد می‌فرستادند و در این خصوص جشن‌هایی نیز برپا کرده، همراه فرزندان‌شان جهیزیه روانه می‌کردند.<sup>۲۵</sup> باید گفت، اگرچه در این ادوار، زنان در خدمت کاهنان معابد قرار می‌گرفتند، اما انجام و ماهیت عمل کاملاً در راستای اندیشه‌ها و اعتقادات مذهبی مردم قرار داشت، زیرا هدف اصلی، جلب نظر و خشنودی خدایان بود. در این میان، نمونه‌ای از این نوع که روایت قرآنی نیز دارد، داستان زندگی حضرت

مریم(س) است. خداوند در سوره ی آل عمران، آیه ی ۳۵ از زبان «حنه» مادر حضرت مریم می‌فرماید: «پروردگارا، هر آن چه را که در شکم دارم، آزاد و رها برای تو نذر کرده‌ام، پس مرا پذیرا باش که تو شنوا و بینایی». بی‌تردید میان نذر و وقف، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد و این دو به لحاظ ماهیت با هم فرق می‌کنند، اما در این آیه، ضمن طرح مسئله‌ی نذر فرزند، به آزادی و ارتباطی که این دو با یک دیگر دارند، اشاره می‌شود. رابطه‌ای که به طور دقیق میان وقف و آزادی کنیز در وقف‌نامه‌ی میرزا محمد حسین عضدالملک نیز برقرار می‌شود. در روایات آمده است چون حنه پا به سن پیری گذاشت و دارای فرزندی نشد، از خداوند خواست تا به او فرزندی عنایت کند و زمانی که فهمید در بطن خود، کودکی دارد، او را برای خداوند نذر کرد تا در کلیسا بماند و پیوسته پروردگار را عبادت کند.<sup>۲۶</sup>

نکته‌ی قابل توجه در این آیه، آن است که نذر فرزند و تقدیم کردن او به معبد، معادل آزادی او قرار گرفته است. این نشان می‌دهد در اعتقاد و اندیشه‌ی مادر که پیرو شریعت الهی است، هر آن چه از قید تملک خارج شود و به خداوند اختصاص یابد، آزادی یافته است و البته در این مورد چون آن چه نذر شده، انسان و موجودی ذی‌شعور است، این آزادی کاملاً تحقق یافته و برای صاحبش اسباب تقرّب به ذات ربوبی را به ارمغان آورده است. در هر حال، با بررسی وقف‌نامه‌ی مذکور از منظر تاریخی و تطابق آن با شواهد ذکر شده، این معنا به درستی تداعی می‌شود که در وقف‌نامه‌ی موردنظر، واقف با پیش زمینه و بسترهای فکری و اعتقادی خود، در پی آن است تا با وقف کنیز، هم زمینه‌ی اعتاق رقبات یا همان آزادی بندگان را فراهم کند و هم با جلب خشنودی خداوند، توشه‌ی آخرت فراهم بیاورد.

در بخشی دیگر از وقف‌نامه، به ویژگی‌های کنیز اشاره شده است. این که در نظافت، حسن سلیقه و طباحتی از امثال و اقربان ممتاز بوده و از غیر خود، بی‌نیاز است. در این جمله‌ی به ظاهر کوتاه، تا حدودی کارایی و نوع استفاده از بردگان، در ایران بیان شده است. هم‌چنین این نکته روشن می‌گردد که بردگان در ایران به کارهای بسیار سخت گمارده نمی‌شده‌اند و خاصه این ملایمت در مورد زنان بیش‌تر بوده است. البته بر این حقیقت، اکثر سفرنامه‌نویسان اروپایی که از ایران بازدید کرده‌اند، صحنه گذاشته و بر رفتار خوب و روابط نزدیک ایرانیان با بردگان تأکید ورزیده‌اند.<sup>۲۷</sup>

تاریخ این وقف‌نامه علی‌رغم پارگی که متأسفانه، در همین بخش به وجود آمده



است، به فاصله سال‌های ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۸ ق. محدود می‌شود؛ دوره‌ای که آخرین سال‌های رسمیت داشتن بردگی در ایران است.

در اواخر عمر محمد شاه قاجار، انگلیسی‌ها به طور متوالی از دولت ایران می‌خواهند که اجازه بدهد کشتی‌های دولت انگلستان از ورود برده و غلام به سواحل خلیج فارس جلوگیری کنند. آن‌ها چندین بار این تقاضا را تکرار می‌نمایند. محمدشاه علی‌رغم این که نسبت به انگلیسی‌ها بدبین است، با اصرار حاج میرزا آقاسی و کلنل فرانت، کارپرداز سفارت انگلستان، فرمانی را صادر کرده، در آن، تجارت برده را از راه دریا قدغن می‌کند. فرمان که در دهم رجب ۱۲۶۴ مطابق با ۱۲ ژوئیه ۱۸۴۸ صادر می‌شود، چنین است: «جناب حاجی، نگذارید دیگر از راه دریا غلام و کنیز وارد شود، بگذارید از راه خشکی بیاورند...».

دولت ایران در این راستا و در جهت جلوگیری از ورود برده، برای متخلفین مجازات‌های مالی تعیین کرده، مأمورانی را برای نظارت بر اجرای این فرمان می‌گمارد. هم‌چنین دستورهای اکیدی در این خصوص به فرمانداران خوزستان و فارس داده می‌شود تا انگلیسی‌ها برای دخالت در این موضوع بهانه به دست نیاورند.<sup>۲۸</sup>

اما آخرین نکته‌ای که در خصوص وقف‌نامه‌ی موردنظر به ذهن می‌رسد، این است که وقف‌نامه در محدوده‌ی سال‌های ۱۲۷۲-۱۲۷۸ ق. به تحریر در آمده و می‌تواند گویای این مطلب باشد که شکل‌گیری چنین موقوفه‌ای تا اندازه‌ای نتیجه‌ی تأثیر تصمیمات سیاسی دولت ایران در لغو تجارت و خرید و فروش برده است. بعید به نظر نمی‌رسد اگر یکی از دلایل وقف کنیز توسط عضدالملک حسینی این باشد که او می‌خواهد با یک تیر دو نشان را هدف قرار دهد. به این معنا که در راستای اجرای دستورهای قوانین کشور، هم کنیز را عملاً از قید تملک خود، آزاد سازد و هم با بهره‌گیری از قوانین شرع، آن را وقف کرده، برای خود، باقیات الصالحاتی به جای گذارد.

### متن بازخوانی شده ی وقف‌نامه

عضدالملک و الدولة العلیة مقرب الحضرت الرضویة متولی‌باشی آستانه مقدسه  
منوره رضویة علی مشرفها افضل الثنا و التحیه/  
الحمدالله الذی وفق عباده بالسعادة و الخیرات و ارشدهم باعتاق الرقبات و اعمال

صالحات/ والصلوة والسلم على اشرف الكائنات و صفوة الموجودات محمد و آله السادات و آله السادات الولاية و بعد/، از آنجا که خلاق بنده پرور فرمان برداری آل خیر البشر را بر ذمه<sup>۲۹</sup> عالمیان لا سیما بنی نوع انسان لازم و متحتم فرموده/ تا از کمند اطاعت و انقیاد شفعا يوم المعاد به سر منزل نجات و سداد رسیده، از تکمیل بندگی ایشان به فوز و فلاح و رستگاری و نجات هم عنان/ و به خواجگی دو جهان، مباحی و شادمان گردند و به صلاى بهجت افزای آزادی دارین از قید و بند بندگی نشأتین رهایی یابند و به منشوری ذلک/ فضل الله یؤتیه من یشاء موفق گشته، توفیق ازلی رفیقشان گردد و از اعمال صالحات و اعتاق رقبات و وفور صدقات و خیرات و ظهور سعادات<sup>۳۰</sup> و عبادات توشه یوم لا ینفع مالٌ و لا بنون برگیرند و در سلک احرار منسلک گشته، ردای ابرار در پوشند که «انّ الابرار/ لفی نعیم» غرض از تحریر این نوشته و مقصود از این مشکک به کافور سرشته آن که سرکار عظمت مدار، جلالت آثار، مهر سپهر/، تمکین و وقار و قطب فلک مجدت و ابهت و اقتدار، سلاله دودمان با عز و تمکین و خلاصه خاندان آل طه و یس یگانه گوهر بحر محیط فضل و کمال/ و یکتا در گران بهای معدن معدلت و جلال نور ثمر مرحمت، ثمر شاداب مکرمت مادام اجلاله العالی به تصاریف ایام و لیالی، کلیه حواس خود را/ مصروف نظم امور و حفظ از فتور بیوتات مبارکات و سایر ضروریات امورات داخلیه و خارجیه سرکار فیض آثار می فرمودند و بوجه من الوجوه از خدمات/ و غوررسی امورات نمی آسودند، بلکه هر نوع زحمت و مشقت که متحمل می شدند، از وفور بهجت و کثرت مسرت و کمال نشاط و نهایت انبساط عین راحت/ و غایت استراحت فرض می فرمودند و خود به نفس نفیس با عمال و مباشرین جلیس می شدند که رفع هر نوع نقص و قصور و دفع هر ثور فتنه و فتور/ که در امور اگر احیاناً باشد، فرمایند، اتفاقاً قصوری در نسوان بیمارداران دارالشفاء مبارکه ملاحظه فرمودند، یک نفر جاریه ملکیه ابتیاعیه حبشیه خود را که مسماست به فضا/ و در نظافت و حسن سلیقه و طباحی از امثال و اقران ممتاز و از غیر خود مستغنیه و بی نیاز بود، پیشکش سرکار فیض آثار فرمودند که همواره لیلاً و نهاراً به خدمات/ ترتیب ادویه و اغذیه مرضای غربا و سکنه بلده طیبه اشتغال داشته، در سلک سایر بیمارداران منسلک بوده، از مملوکی سلطان/ سریر ولایت و مالک اقلیم هدایت بر موالی در دارین مفاخرت نماید و به فراغ بال و آسودگی حال به خدمات محوله به خود اشتغال ورزیده، [تعدد/ والاتصال؟] به شکرگزاری حضرت ذوالجلال و نعمت خدمت بی زوال مشغول باشد و از حیطة تصرف و قید تملک خود اخراج نمود، پیشکش آن سرکار نمودند/

و وقف مؤبد فرمودند، وفقاً صحیحاً صریحاً شرعياً بحیث لایباع و لایوهب و لایرهن و لا یوجر و کان تحریر تلک الورقة فی شهر ربیع الثانی من شهور / [۳] سبعمین و مأتین بعدالالف من الهجرة النبویة المصطفویة علی هاجرہ الاف الثناء و التحیة. / [مهر گوشه سمت راست:] عبده محمدحسین بن فضل الله الحسینی، ۱۲۳۸.

## پنوتت‌ها

- ۱- لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه‌ی «وقف».
- ۲- مرتضی رحیمی، «وقف در قرآن»، وقف میراث جاویدان، سال ۱۲، ش ۴۵، ۱۳۸۳، ص ۱۴.
- ۳- علی‌رضا فیض، «وقف و انگیزه‌های آن»، وقف میراث جاویدان، سال ۱، ش ۴، ۱۳۷۲، ص ۳۴.
- ۴- محمدعلی خسروی، هفت وقف‌نامه، گزیده‌ای از یکصد و هفتاد سال وقف‌نامه نویسی در دوره‌ی صفویه، تهران، صائین، ۱۳۸۴، صص ۷-۸.
- ۵- علی کریمیان، «موقوفه میرزا محمد صارم‌الممالک درگزی»، گنجینه اسناد، سال ۱۵، شماره ۵۹، ۱۳۸۴، ص ۷۵.
- ۶- مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، ۱۳۴۷، ج ۳، ص ۳۸۱.
- ۷- نوروز علی خان بسطامی، فردوس التواریخ، تبریز، (چاپ سنگی)، ۱۳۱۵، صص ۵۳-۵۵.
- ۸- این طومار چند سال پس از اتمام فتنه‌ی چهار ساله‌ی «سالار» (۱۲۶۶-۱۲۶۲ق.) در سال ۱۲۷۳ق. تهیه شده، در آن، به تفصیل، اسامی کلیه املاک، خانات، حمامات و مستغلات وقفی آستان قدس ثبت و ضبط شد.
- ۹- جاریه: کنیزک، دهخدا، ذیل واژه.
- ۱۰- امثال: جمع امثل به معنای مشابه و نظیر، دهخدا، ذیل واژه.
- ۱۱- اقران: جمع قرن، به معنای کفو و همتا، دهخدا، ذیل واژه.
- ۱۲- سرکار فیض‌آثار: عبارت احترام‌آمیزی است که از عصر صفوی و بعد از آن، برای برخی زیارتگاه‌های مهم ایران از جمله بارگاه رضوی به کار برده شده است.
- ۱۳- بیمارداران: پرستاران، کسانی که متعهد خدمت بیماران می‌باشند، دهخدا، ذیل واژه.
- ۱۴- موالی: جمع مولی به معنای آزادشدگان، دهخدا، ذیل واژه.
- ۱۵- دارین: به معنی دنیا و آخرت، دهخدا، ذیل واژه.
- ۱۶- منظور از وقف آگاهانه، این است که واقف مشخصاً از کمبود و معضلی اطلاع می‌یابد و خاصه برای آن اقدام به وقف می‌کند و این تا حدود زیادی متفاوت از اغلب موقوفات است که واقف فقط برای کمک به رفع نیازهای عمومی مردم به تنظیم سند وقف اقدام می‌کند.
- ۱۷- اعتاق: به معنای آزاد کردن. از فروع فقهی بوده و به مفهوم آزاد کردن بندگان با تشریفات شرعی است، دهخدا، ذیل واژه.

- ۱۸- رقبات: جمع رقبه به معنای بنده زر خرید، دهخدا، ذیل واژه.
- ۱۹- احرار: به معنای آزادگان، دهخدا، ذیل واژه.
- ۲۰- ابرار: به معنای نیکان و نیکوکاران، دهخدا، ذیل واژه.
- ۲۱- دلاور برادران، «فرهنگ حقوقی وقف»، وقف میراث جاویدان، سال ۲، ش ۲، ۱۳۷۳، ص ۶۹.
- ۲۲- محمد جواد مغنیه، فقه تطبیقی، ترجمه کاظم پورجوادی، تهران، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۴۱۴.
- ۲۳- مصطفی سلیمی فر، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۴.
- ۲۴- جعفر بن حسن محقق حلی، ترجمه فارسی شرایع الاسلام، ترجمه: ابوالقاسم بن احمد یزدی، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم: ۱۳۶۷، ج ۱۱، صص ۳۵۲ - ۳۵۵.
- ۲۵- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۵۶.
- ۲۶- محمد بیومی مهران، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه مسعود انصاری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۴۳.
- ۲۷- ارنست اورسل، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سیدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷. از این جمله، آرنولد کمبل، نماینده ی سیاسی انگلیس در بوشهر است که در طی گزارشی در سال ۱۸۲۴م. راجع به تجارت برده در خلیج فارس به این نکته اشاره نموده، اذعان می‌کند که رفتار با بردگان در ایران هیچ‌گاه سخت و ظالمانه نبوده است. او در این باره می‌نویسد: «از لحاظ خرید برده در مقصد نهایی وضع آن‌ها از نظر مادی رو به بهبود می‌گراید و خریداران به طور کلی آن‌ها را به خوبی تغذیه کرده و با آن‌ها تقریباً هم‌چون خود یا خانواده‌شان با مهربانی رفتار می‌کنند و در مقابل، بردگان نیز با کمال میل به خوبی سخت‌کوشی می‌کنند و چنین برمی‌آید که آن‌ها از وضعیتشان و زندگیشان خشنود و خرسند باشند...». ر.ک: ام. ریکس توماس، جی بی کلی، اعراب و تجارت برده در دریای پارس، ترجمه: حسن زنگنه، شیراز، نوید، ۱۳۸۰، صص ۳۷ - ۳۶.
- ۲۸- محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، بی‌جا، اقبال، ۱۳۶۷، ج ۲، صص ۵۳۲ - ۵۳۳.
- ۲۹- این واژه در سند، ذمت نوشته شده است.
- ۳۰- این واژه در سند، سعادت نوشته شده است.
- ۳۱- پارگی سند.

